بیان تجربه جهانگردان خارجی با «سندباد»

قاسم عوض‌بیگی، کارگردان برنامه «سندباد» در خصوص شکل‌گیری این برنامه گفت: این برنامه با هدف آشنایی مخاطبان ایرانی با کشورهای مختلف جهان از دریچه روایات و بازگویی تجربه‌های جهانگردان سایر کشورها از ایران و همچنین ایرانیان ساکن کشورهای دیگر تهیه شده و یکی از اهداف آن، پرداختن به موضوعات مختلف کشورهای متفاوت در حوزه فرهنگ و سبک زندگی در فرمی جدید و متنوع است. محور اصلی این برنامه گفت‌وگو با جهانگردان و گردشگران خارجی و ایرانیانی است که به نحوی تجربه زیست یا ارتباط با خارج از ایران را داشته‌اند. فصل اول بیش از ۵۰ قسمت داشت و الان هم فصل دوم آن در حال پخش است. وی در خصوص تغییرات در فصل دوم گفت: در فصل دوم استودیو، اتفاقات و مدل مهمان‌ها تا حدودی تغییر کرده است. سعی کردیم پلی‌بک‌هایی که در فصل یک موفق بوده و دیده شده را تقویت و یک سری آیتم‌های جدید معرفی و تولید کنیم. کارگردان سندباد در ادامه گفت: قریب به اتفاق مهمانان برنامه و گردشگران می‌گویند وقتی قرار بود وارد ایران شویم یک تصور دیگری راجع به ایران داشتیم که بعد از ورود، هم از لحاظ فرهنگ و هم از لحاظ ساختار خیابان‌ها و شهر کاملا تغییر کرد. سندباد سعی کرده که واقع‌بین باشد. تلاش ما در برنامه مستند بودن و استفاده از تجربیات کسانی است که خودشان در آنجا زندگی کردند و با واقعیت‌ها روبه‌رو بودند.

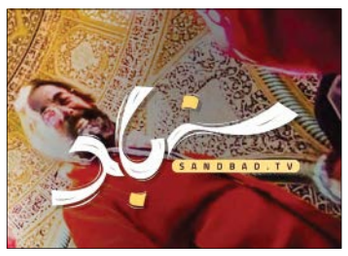

جام جم
رسانه
MEDIA
۹
یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۳ شماره ۶۸۳۱

تاریخ مصرف ندارد

... را بازخوانی دقیق و منصفانه آدم‌ها و وقایع تاریخ معاصر می‌داند

باقی مانده و هر چه به زمان انقلاب نزدیک‌تر می‌شویم، مبارزات و حضور سیدحشمت هم بیشتر می‌شود.

پیش از «سرزمین مادری» تجربه بازی در نقش روحانی را داشتید؟

نه ولی در تئاتر یک بار و فقط در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد.

به هر حال نقش بسیار حساسی است؛ واکنش‌ها چطور بود و این‌که برای باورپذیری در قبال این نقش چه کردید؟

پذیرش خودم خیلی اهمیتی ندارد. با این حال خودم واقعا پذیرفتم و بقیه هم اکثرا می‌پذیرفتند و می‌گفتند رفتارها، گفتار و شخصیت‌پردازی روحانی و البته گریم خیلی خوب شده است. آقای اسکندری طراح گریم و همکاران بخش گریم خیلی برای این کار زحمت کشیدند. با توجه به این که تجربه نقش روحانی نداشتم، ولی بازخوردها مثبت بود. فکر می‌کنم خیلی از بازیگران دوست دارند نقش روحانی بازی کنند؛ از شاهکار مدرس آقای شکیبایی گرفته تا هنرمندان بزرگ دیگر که نقش روحانی را مثل هر شغل یا صنف دیگری بازی کردند. بحث ما در بازیگری ارزش‌گذاری این یا آن نقش نیست و ممکن است نقش دزد را هم بازی کنیم؛ کما این که در سریال «همه‌گیری» که سال گذشته پخش شد، نقش قاچاقچی دارو را بازی می‌کردم که نقشی بسیار منفی بود. به هر حال هر نقشی به ما می‌دهند باید از پس آن بربیاییم.

چقدر فضاسازی و گریم نقش سیدحشمت برای خودتان هم جالب، جذاب و باورپذیر بود؟

نقش‌های گوناگون یکسری ویژگی دارند که از قبل در وجود بازیگر هست و یکسری ویژگی‌ها هم هست که باید آنها را کسب کند و مطالعه و پژوهش کند و ببیند. نقش روحانی دو سه ویژگی دارد که شکل حرف‌زدن، راه رفتن و لباسش است که راه رفتن با عبا در ابتدا سخت است، چون به پای آدم گیر می‌کند و باید با آن زندگی کنی و برایت عادی شده باشد؛ انگار ۳۰-۲۰ سال است که روحانی هستی و نمی‌توانی با آن غریبه باشی. سیدحشمت در دهه ۵۰ است و فرد اتوکشیده و کنار ایستاده‌ای که بخواهد حرف‌های گنده بزند و خود را اهل فضل نشان بدهد، نیست و راحت در میان مردم می‌آید و مبارزه کرده، اذیت و تبعید شده و زندان رفته و در کل پای کار بوده و شاید به همین خاطر جذابیت این کاراکتر هم برای کاراکترهای درون قصه زیاد است که خیلی قبولش دارند و همه اهالی محل به او رجوع می‌کنند.

فکر می‌کنم حضور در این سریال و بازی در این نقش برای شما تجربه متفاوت و اتفاق خوبی بود. به این خاطر مدتی در نقش‌هایی که به شما پیشنهاد می‌شد و بازی می‌کردید، اتفاق ویژه‌ای رخ نمی‌داد و البته به فیلمنامه‌ها برمی‌گردد.

واقعا این دست بازیگر نیست. بازیگر فقط می‌تواند بین نقش‌ها انتخاب کند ولی غالبا وقتی بازیگری در قالب و فرمی جا می‌افتد، بیشتر از آن نقش‌ها به او پیشنهاد می‌شود که من در تئاتر این را شکستم و حداقل در کار اخیر که خودم هم بازی کردم جایی بود که می‌توانستم همه آنها را این‌ور بریزم و بگویم یک نقش متفاوت به خودم پیشنهاد می‌دهم تا بازی کنم و خدا را شکر هم خوب شد.

یعنی در تئاترهایی که خودتان کارگردان بودید سعی کردید اتفاقات متفاوت را تجربه کنید؟

نه، تا الان در کارهای خودم بازی نکرده بودم.

پس «توافقنامه» اولین تجربه بود و در کاری که خودتان کارگردان بودید، بازی هم کردید؟

وقتی دانشجو بودم از این تجربیات داشتم. کار دشواری است و اگر به لحاظ همبازی‌ها و گروه، امنیت نداشته باشید این اتفاق نمی‌افتد. در این کار هم بعد از ۱۰ سال همکاری مستمر با گروه با دوستانم که هشت اجرا روی صحنه بردیم، خیالم از پشت صحنه راحت بود و دو نفر از بازیگران که دوستان خوبم هستند این‌قدر خوب بودند که به تدریج کم و کمتر شد تا توانستم.

خیلی از بازیگران می‌گویند که در تئاتر تجربه‌های متفاوتی دارند اما وقتی جلوی دوربین می‌آیند این‌طور نیست. چه اتفاقی می‌افتد که کارگردان‌های تئاتر قدرت ریسک‌پذیری بیشتری به نسبت کارگردان‌های تلویزیون و فیلمسازان سینما دارند؟

این به توان ریسک و توان بازیگردانی کارگردان بستگی دارد که تا چه حد می‌تواند سراغ شخصیت‌هایی نرود که در جاهای دیگر شکل گرفتند و همان را بیاورد به جایی که خودش هست و بگوید این امتحانش را پس داده یا ریسک کند و بازیگران را در شکل‌های دیگری که تجربه نشده تست کند. شاید هنوز به آن شکل در تئاتر مسأله مالی قاطی نشده که اگر ریسکش جواب نداد، زیاد ضرر را متوجه تهیه‌کننده و کارگردان نکند. این بیشتر در سینما و پلتفرم‌ها مطرح است. تنوع فیلمنامه، داستان و شخصیت در تئاتر خیلی بیشتر از اتفاقی است که در تلویزیون و سینما می‌افتد. شاید بهتر است بگوییم در سینما و تلویزیون، تنوع فیلمنامه و شخصیت خیلی کم شده است، در حالی که همه چیز از فیلمنامه و داستان شخصیت شروع می‌شود.

چقدر جای چنین سریال‌هایی در تلویزیون خالی است و کارگران‌های بیشتری باید به این سمت‌وسو بروند؟

قطعا باید بیشتر از این داشته باشیم و شعارزده و گل درشت و رو هم نباشد. مثل فیلم‌های جنگی در دهه ۶۰ که یکسری فیلم‌های جنگی ساخته می‌شد که الان اصلا نمی‌دانید چه بود؛ مثلا «دیده‌بان» یا «روزهای زندگی» ساخته شد که خیلی فیلم‌های درستی بودند و باورپذیری فوق‌العاده‌ای در آن احساس می‌کنید و ما در صحنه این را حس می‌کردیم. قطعا اگر کسی ۵۰ یا ۱۰۰ سال دیگر بخواهد جنگ را ببیند، به جز مستندهای شهید آوینی، یکی از فیلم‌هایی که می‌بیند روزهای زندگی است. به جهت این که بفهمد در آن روزها چه اتفاقی افتاده است. فیلم‌هایی که رزمنده‌ها آدم‌های قهرمان بودند و عراقی‌ها که یکسری فرد احمق بودند را می‌کشتند قدری باورش سخت است، البته آن موقع برای تهییج و تبلیغات جنگ نیاز بود و این فیلم‌ها تاریخ مصرف داشتند.

به سرزمین مادری برگردیم و این‌که خودتان بیننده سریال هستید؟ کدام فصل از این سریال برایتان جذاب‌تر است؟

این‌قدر که فصل سوم را تعقیب می‌کنم، فصل‌های دیگر را پیگیری نکردم. بدون اغراق می‌توانم بگویم هر سه فصلش خوب بود و برخی‌ها معتقدند فصل سه بهتر است؛ ولی من معتقدم هر سه فصل خوب است. یک قسمت در فصل سه که در زندان بود و خانم سجادیه و آرش مجیدی روبه‌روی هم بازی دارند که تقریبا یک قسمت است و درباره شکنجه‌اش و داستان‌هایی که داشته صحبت می‌کند که به نظرم فوق‌العاده است. دوربین یک‌جا بود، ولی این‌قدر داستان و بازی این دو نفر دیدنی و باورپذیر بود که نیازی نبود دوربین جای دیگری برود تا تنوع بصری ایجاد کند و این جزو سکانس‌هایی است که در ذهنم ماندگار شد. به نظرم یکی از بهترین نقش‌هایی که زنده‌یاد سعید راد بازی کرد در همین سریال و نقش تیمسار بود. با احترام به همه نقش‌هایی که خانم نیکی کریمی بازی کرده، اما باید بگویم در اینجا بازیشان رنگ دیگری پیدا کرده که این به فیلمنامه، کارگردانی و جمیع عواملی که دور هم جمع شدند مثل گریمور، طراح صحنه، تهیه‌کننده و... برمی‌گردد یا این‌که آرش مجیدی یکی از مهم‌ترین تجربه‌های بازیگری‌اش را انجام داد و ریسک بزرگی کرد. شهاب حسینی، بازیگر فوق‌العاده توانایی است. این‌که ادامه آن نقش را بپذیری، در ابتدای امر یعنی این‌که شکست خورده است؛ ولی به نظرم آرش بهترین کارش را در این سریال بازی کرد و بسیار باورپذیر، سمپاتیک و دوست‌داشتنی است و آدم فراموش می‌کند قبلش کدام بازیگر این نقش را ایفا کرده است. علی شادمان هم نوجوانی رهی را در فصل اول درخشان بازی کرد، البته باید بگویم هیچ‌کسی در این سریال بد نیست و همه عالی و درجه‌یک هستند. بنابراین برای تماشاگر هم باورپذیر است و می‌شود مثال زد شبیه فلان روحانی است که در محله‌مان بود و باورپذیر است. تا جایی که می‌شد سعی کردم از شکل رایجی که معمولا می‌بینیم دور شوم و به شکل واقعی با آن مواجه شویم و نه به آن شکل رسمی؛ چون نگاه ما به روحانیون چیزی است که در قاب تلویزیون یا روی منبر در مسجد و در هیات یا جایی می‌بینیم که صحبت می‌کنند و همه چیز اتوکشیده است؛ ولی وقتی این آدم پایین می‌آید و با اهالی محله گپ می‌زند و شوخی می‌کند، سیدحشمت آنجاهاست و باید در اینجاها فضاهای زندگی این شخصیت را نشان می‌دادیم و این چیزی است که معمولا نمی‌بینیم و چیزی که در تلویزیون، فضاهای عمومی و مساجد می‌بینیم یک چیز رسمی از روحانی است.

نقش روحانی دو سه ویژگی دارد که شکل حرف‌زدن، راه رفتن و لباسش است که راه رفتن با عبا در ابتدا سخت است، چون به پای آدم گیر می‌کند و باید با آن زندگی کنی و برایت عادی شده باشد

همین پیش‌زمینه ذهنی که از روحانی محله‌تان داشتید به شما در ایفای این نقش کمک کرد یا فقط خود را به فیلمنامه و کارگردان سپردید؟

اصلی که وجود دارد این است که بازیگری یک ترکیب است و هیچ‌وقت نمی‌شود گفت یک بازیگر خوب می‌تواند یک خروجی خوب داشته باشد و به یک متن خوب با شخصیت‌پردازی خوب و کارگردان خوب نیاز است تا ببیند چطور بازیگر را راه ببرد و او را راهنمایی کند و وقتی این سه ضلع درست کنار هم چیده می‌شود، با نتیجه‌ای که بازیگر کارش را خوب انجام داده است مواجه می‌شوید.

البته که بازیگر مقابل هم می‌تواند تاثیرگذار باشد و یکی از ارکان مهم یک اثر باشد.

صددرصد؛ مخصوصا در جاهایی که دارید با یک بازیگر مقابل کار می‌کنید، مثل پینگ‌پونگ است و حتی اگر بهترین بازیکن پینگ‌پونگ هم باشید و طرف مقابل جواب خوب ندهد، بازی را خراب می‌کنید. بازیگر مقابل، امنیتی که دوربین و صدابرداری در بازیگر ایجاد می‌کند، طراح گریم و طراح لباس همگی در نتیجه نهایی مهم هستند. ممکن است همه چیز آماده باشد، ولی لباسی که می‌پوشید شما را راضی نکند و در آن راحت نباشید و وقتی طراح لباس بگوید همین است که هست، یک‌باره مانعی جلویتان می‌افتد و تمرکز شما را به هم می‌زند و چیزی که باید نمی‌شود.

ویدئوهای گفت‌وگو

مجید آزاد-جام‌جم

نیم‌نگاهی به بازی‌های کورش سلیمانی

حمایت رادیو صبا از صنایع کوچک

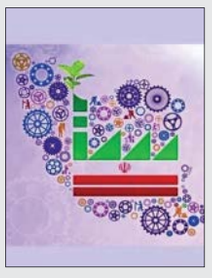

شبکه رادیویی صبا امروز به مناسبت روز حمایت از صنایع کوچک برنامه‌های «صبح صبا و کوک آوا» را به صورت ویژه راهی آنتن می‌کند. ۲۱ مرداد به‌عنوان روز صنایع کوچک نام‌گذاری شده است. این روز بهانه‌ای است که به شناسایی نقش حیاتی شرکت‌های کوچک در تقویت رشد اقتصادی، ایجاد شغل و توسعه پایدار کشور بپردازد. رادیو صبا امروز به همین مناسبت برنامه «صبح صبا» را با موضوع فرهنگ خرید وطنی تقدیم مخاطبان می‌کند. این برنامه با هدف افزایش آگاهی در مورد اهمیت صنایع کوچک و حمایت از رشد آنها و برجسته‌کردن چالش‌های پیش روی آنها با نگاهی طنز به این موضوع می‌پردازد. صبح صبا شنبه تا چهارشنبه ساعت ۶ صبح به تهیه‌کنندگی امیر اکبری تقدیم مخاطبان می‌شود. برنامه موسیقی محور «کوک آوا» به مناسبت همین روز گلچینی از ترانه‌ها را با مضمون حمایت تقدیم مخاطبان می‌کند. این برنامه تا چهارشنبه ساعت ۱۴:۳۰ به تهیه‌کنندگی انسیه شمس‌اللهی از رادیو صبا پخش می‌شود. رادیو صبا سعی دارد با زبان طنز و شاد مناسبت‌های مختلف را گرامی بدارد.

خاطره‌بازی با «روزگار قریب»

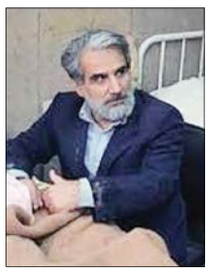

سریال «روزگار قریب» به کارگردانی کیانوش عیاری به‌زودی از شبکه آی‌فیلم۲ پخش می‌شود. با به پایان رسیدن سریال در حال پخش «بانوی عمارت»، از روز جمعه ۲۶ مرداد سریال روزگار قریب به کارگردانی کیانوش عیاری جایگزین آن خواهد شد. این سریال الهام گرفته از زندگی دکتر محمد قریب، بنیان‌گذار تخصص طب (پزشکی) اطفال در ایران است. قصه این اثر علاوه بر نمایش زندگی دکتر قریب، بررسی تحولات دانش پزشکی و رویدادهای سال ۱۲۹۵ تا ۱۳۵۴ هجری خورشیدی در ایران را روایت می‌کند. مهدی هاشمی، شهاب کسرایی، ناصر هاشمی، مهران رجبی، آفرین عبیسی، حسین پناهی، رضا کیانیان، رضا بابک، هوشنگ توکلی، بهاره افشاری، الناز حبیبی، کاوه آهنگر، پرهام کرمی، پرویز شاهین‌خو، فرحناز منافی ظاهر، امیرحسین صدیق، زهره حمیدی، محمود بنفشه‌خواه، میرطاهر مظلومی، مریم کاویانی، مریم سلطانی، محمد برسوزیان، رضا فیاضی، افشین سنگ‌چاپ، رضا بنفشه‌خواه، پروین میکده، مریم بوبانی، سوسن پرور و... از جمله بازیگرانی هستند که در این سریال نقش‌آفرینی کردند. سریال روزگار قریب از روز جمعه به جز روزهای پنجشنبه ساعت ۲۰ به وقت تهران، ۲۱ به وقت کابل و ۲۱:۳۰ به وقت دوشنبه از شبکه جهانی آی‌فیلم ۲ پخش می‌شود.

یک روحانی امین

کورش سلیمانی که در سریال «سرزمین مادری» نقش سیدحشمت را بازی می‌کند، در سکانسی که با مهرداد ضیایی بازی مشترکی دارد. اکبر (با بازی ضیایی) درباره رهی و اتفاقاتی که رخ‌داده برای سیدحشمت تعریف می‌کند و او هم که تحت تاثیر قرارگرفته، به‌عنوان امین مردم و فرد مورد اعتماد سعی دارد مسائل را حل کند.

کیوآرکد را اسکن کنید